

ملی شدن نفت تازه رسیدیم اول خط

همزمان با ناآرامی هادر تهران خبری منتشر شد که بیشتر دل وطن پرستان را به آتش کشید. قرارداد نفتی بین آرامکو و سعودی ۵۰-۵۰ بسته شد. این قرارداد پیشرفته عمل نشان می داد با قرارداد ۱۳۱۱ یا همان ۱۹۳۳ چه کلاه گشادی بر سرمارفته است. داریسی با اساسی کج و کلاهبردارانه نفت ایران را مکید و قراردادهای بعدی هم نتوانست زهر قرارداد داریسی را خنثی کند. سفیر انگلیس در بهمن ۱۳۲۹ گفت: «مصدق حيله گر است. مانند اسب گاری کش، پیش بینی ناپذیر و غیرقابل اعتماد است.» مجلس لایحه گس- گلشاییان را رد کرد. انگلیسی ها برای آن که با ملی کردن صنعت نفت در ایران مقابله کنند، گفتند

ممکن است با قرارداد ۵۰-۵۰ موافقت کنند. آنها به گفته رزم آرا گفتند یک سال زمان نیاز دارند تا بتوانند درباره چنین قراردادی تصمیم گیری کنند. نکته جالب اینجاست که در کشاکش همین بحث ها دولت ایران قطعه زمینی در نفت سفید (از توابع هفتکل) برای حفاری چاه شماره ۲۶ به انگلیسی ها واگذار کرد. کمیسیون نفت در مجلس با راهبری محمد مصدق برای ملی کردن صنعت نفت ایران کوشید. در ۱۶ اسفند سپهبد رزم آرا توسط فداییان اسلام کشته شد. در ۲۴ اسفند صنعت نفت ایران در مجلس ملی شد.

روز ۲۹ اسفند این لایحه در مجلس سنا نیز تصویب شد. کارگران در خوزستان در اعتراض به عملکرد شرکت انگلیسی دست به اعتصابی گسترده و طولانی مدت زدند. درآمد نفتی ایران از ۱۶ میلیون لیره در سال ۱۳۲۹ به ۷۰۰ هزار لیره در سال ۱۳۳۰ رسید؛ چرا؟ منطق ناب انگلیسی: اگر قرار است اختیار نفت با ایرانی ها باشد، ما تحریم شان می کنیم.

طرح قانونی نحوه اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در مجلس شورای ملی تصویب شد. انگلیس تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت را خلاف قوانین بین المللی دانست. آمریکا هم در این باره به ایران هشدار داد. مصدق از آمریکا انتقاد کرد و از آنها خواست در امور داخلی ایران دخالت نکنند. دولت انگلیس به دیوان بین المللی لاهه شکایت کرد. انگلیسی ها اعلام کردند حاضرند با ایرانی ها مذاکره کنند. مصدق پیشنهاد مشارکت ۵۰ درصدی انگلیسی ها را رد کرد. هیات خلع ید که مأمور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت بود کار خود را آغاز کرد. در ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ پرچم ایران بر فراز شرکت سابق نفت انگلیس - ایران به اهتزاز

درآمد. وزیر خارجه آمریکا هشدار داد روش دولت ایران ملت ایران را دچار مشکلات اقتصادی خواهد کرد.

سال ۱۳۳۰ مهدی بازرگان، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران شد و اولین کسی بود که به این سمت جدید رسید. در ۱۰ تیرماه کار پالایشگاه آبادان متوقف شد. دیوان لاهه به نفع شرکت انگلیسی حکم داد. مصدق گفت حکم موقت دیوان لاهه را نمی پذیرد چون این دیوان می تواند درباره اختلاف بین دولت ها نظر دهد. ولی این مورد اختلاف بین یک شرکت و یک دولت است. همزمان با این تحولات خانه نورمن ریچاردسدان مدیر وقت شرکت انگلیسی در تهران بازرسی و اسناد مهمی از آن خانه ضبط شد. این خانه الان

بیمارستان شرکت نفت است. می گویند یکی از کارکنان روابط عمومی به صادق هدایت نویسنده مشهور خبر داد که سدان در این خانه در حال جاسوسی و جعل سند است. هدایت از طریق مظفر بقایی، محمد مصدق را با خبر کرد.

آمریکایی ها پادرمیانی کردند. انگلیسی ها گفتند به تقسیم درآمد نفتی به صورت ۵۰-۵۰ راضی هستند. مصدق گفت ما می خواهیم

کنسرسیوم تشکیل بدهیم. انگلیس هم یکی مثل بقیه. می خواهد مشارکت کند به همان اندازه برایش سهام در نظر می گیریم. هم آمریکا و هم انگلیس گفتند ملی شدن صنعت نفت ایران را می پذیرند. دولت انگلیس مرداد ۱۳۳۰ ملی شدن صنعت نفت ایران را رسماً پذیرفت. استوکس از طرف دولت و دربار انگلیس به ایران آمد. دو هفته تمام با همه از شاه تا کاشانی مذاکره کرد. مصدق شروطش را نپذیرفت، حتی وقتی عملاً صنعت نفت ایران از کار افتاده بود ولی مصدق و کاشانی و باقی سیاستمداران بیدار انگلیس را وادار به عقب نشینی کردند. انگلیس پیوسته امتیاز می داد تا بتواند به آبادان برگردد. مصدق اما قویا جلوی انگلیس ایستاد. انگلیس دولت مصدق و ایران را تحریم کرد. این تحریم ها تا زمان سقوط دولت دکتر مصدق به قوت خود باقی بود. دولت انگلیس علیه مصدق و درکنار شاه فعالیت می کرد. اینها بدیهیات تاریخ این مملکت است که هیچ رسانه خوش آب و رنگی نمی تواند عوضش کند. بیشتر انگلیسی ها پالایشگاه آبادان را ترک کردند ولی عده ای هنوز مانده بودند. مصدق اتمام حجت کرد. نظامیان پالایشگاه را تصرف کردند. انگلیس به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کرد. انگلیس از دولت ایران خواست حکم اخراج کارمندان را لغو کند. انگلیسی ها از ایران اخراج

شدند. مصدق خود عازم نیویورک شد تا در شورای امنیت صحبت کند. مصدق در شورای امنیت سخنرانی غرایبی کرد. گفت پرونده نفت ایران یک موضوع داخلی است و ربطی به دیوان بین المللی و شورای امنیت ندارد. مصدق فریاد زد: سود نفت ایران دارد به جیب انگلیسی ها می رود و این به ضرر ملت ایران است. شورای امنیت تحت تأثیر سخنان مصدق قرار گرفت. مصدق گفت: آنها ۹ میلیون لیره به ما می دادند و بعد هشت میلیون لیره را به نام مالیات از ما می گرفتند! شورای امنیت گفت تا مشخص شدن حکم قطعی دیوان داوری لاهه سکوت می کند. مصدق در بازگشت به قاهره رفت. صدها هزار مصری از او استقبال کردند. گروه های مختلفی برای میانجیگری یا توطئه به تهران می آمدند. همه به در بسته می خوردند. کاشانی هم پیوسته از مصدق حمایت می کرد. مصدق ۲۹ اسفند را روز نفت و جشن ملی و تعطیل عمومی اعلام کرد و گفت: نخواستم لکه ننگ بر دامن خود و شما بنشانم.

بنا به رأی دادگاه لاهه ایران به پرداخت خسارت محکوم می شد و ایران نمی توانست قرارداد ۱۹۳۳ را یک طرفه لغو کند. مصدق برای اعتراض به این حکم به لاهه رفت. مصدق در لاهه از ایران و منافعش دفاع کرد و گفت: اصل ملی کردن از حقوق مسلم هر ملتی است.

